

درس یازدهم: شیر حق

درس دوازدهم: ادبیات انقلاب

درس سیزدهم: یاد حسین (ع)

صبح صادق، قدرت کاذب شکست

رشته‌های دام اهریمن کست

(حمید سبزواری)



صبح صادق، قدرت کاذب شکست رشته‌های دام اهریمن گسست
(حمید سبزواری)

شرح:

- * صادق: راست‌گو، حقیقی
 - * صبح صادق: صبح واقعی، (قبل از طلوع خورشید سپیده‌ای می‌دمد و باز تاریک می‌شود که آن صبح کاذب است).
 - * کاذب: غیر واقعی، دروغ
 - * اهریمن: شیطان
 - * گسست: فعل ماضی ^{از مصدر} گسستن
 - * تضاد: صادق، کاذب - صادق، اهریمن
 - * قافیه: شکست، گسست
 - * صبح صادق: ^{استعاره از} انقلاب اسلامی
 - * قدرت کاذب: ^{استعاره از} دوران حکومت پهلوی
- مفهوم: انقلاب اسلامی ایران حکومت قدرتمند پهلوی را کنار زد.

حمید سبزواری

حسین ممتحنی متخلص به «حمید سبزواری» از شاعران خوش‌نام انقلاب که بیش‌ترین سروده‌های او مربوط به فضای انقلاب است.
«سرود درد» و «سرود سپیده» از آثار وست.

8GAM.TK

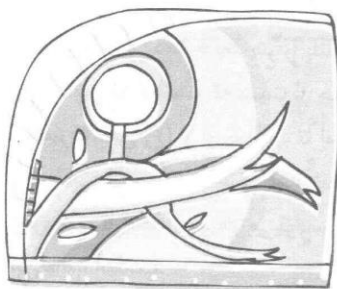
درس یازدهم

شیرِ حق

مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولانا) در دفتر اول مثنوی معنوی خود، با نقل ماجرای مبارزه‌ی علی (ع) با عمرو بن عبدود، اخلاص حضرت علی (ع) را در این حادثه به تصویر کشیده است. او می‌گوید:

از علی آموز اخلاص عمل شیرِ حق را دان منزه از دَغَل
در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری بر آورد و شناخت

و بعد توضیح می‌دهد که وقتی عمرو بن عبدود بر صورت علی (ع) آب دهان انداخت، حضرت شمشیر را کنار گذاشت و از روی سینه‌ی عمرو برخاست. عمرو بن عبدود که از این کار امام علی (ع) تعجب کرده بود، علت را جویا شد. حضرت در جواب او فرمودند: وقتی به صورت من آب دهان انداختی، خشمگین شدم و ترسیدم مبدا از سر خشم با تو بجنگم، در حالی که من برای خدا می‌جنگم. پس دست از جنگ کشیدم تا نفس من آرام گیرد.



گفت من تیغ از پی حق می‌زنم
بنده‌ی حَقم نه مأمور تنم
شیرِ حَقم، نیستم شیرِ هوا
فعلِ من بر دینِ من باشد گوا



اخلاص: خلوص نیت، پاکی نیت

دَغَل: فریب‌کاری

شتافت: حمله‌ور شد

افتخار: موجب سربلندی

منزه: پاک و بی‌آلایش

غزا: جنگ

خدو: آب دهان

نبی: پیامبر

8GAM.TK

فارسی هشتم برای دانش‌آموزان تیزهوش

میلان

ولی: سرپرست	در زمان: فوراً
کاهلی: تنبلی	حیران: متعجب
مبارز: جنگجو	عفو: بخشش
بی‌محل: بی‌موقع، بی‌جا	تبغ: شمشیر
افراشتی: بلند کردی	افکندی: انداختی
مأمور: موظف به انجام کاری	از: طمع
هوا: هوای نفس	گوا: گواه، شاهد
سزا: شایسته، سزاوار	

شرح برخی از ابیات:

* قالب شعر شیر حق «مثنوی» است.

(درباره‌ی قالب مثنوی در درس هفتم به‌طور کامل توضیح داده شده است.)

شعر به ماجرای مبارزه‌ی امام علی (ع) با عمرو بن عبدود اشاره دارد. جنگ خندق در سال پنجم هجری اتفاق افتاد. یکی از پیکارهای مهم در این جنگ، نبرد امام علی (ع) با عمرو بن عبدود بود. عمرو از شجاعان عرب بود. وقتی در جنگ خندق علی (ع) دروازه‌ی خندق را بر دشمن مسدود کرد تا وارد شهر مدینه نشوند، عمرو بن عبدود وارد شد. به وسط میدان آمد و فریاد زد: «کیست به جنگ من آید؟ مسلمین کجا هستند که به دست من کشته شوند تا به سوی بهشت بروند؟» در این وقت علی (ع) برخاست و از پیامبر (ص) اجازه خواست. حضرت فرمودند: «از خدا می‌خواهم که تو را بر عمرو، نصرت و پیروزی دهد.» بعد سر را بلند کرد و گفت: «پروردگارا! برادر من و پسرعم‌ مرا تنها مگذار.» علی (ع) به نزد عمرو رفت و از او خواست که دست از جنگ با پیامبر بردارد و او را به دین اسلام دعوت کرد. اما عمرو از روی تکبر نپذیرفت. حضرت علی (ع) از او خواست تا آماده‌ی جنگیدن و مبارزه با او شود. عمرو از اسب پایین آمد و شمشیری به طرف علی بن ابی‌طالب کشید. جنگ آغاز شد و همه‌ی مشرکین پیروزی علی (ع) را بر عمرو می‌دیدند. امام روی سینه‌ی عمرو بود، تا لحظاتی دیگر می‌توانست سر از تن او جدا کند که عمرو بن عبدود آب دهانی بر صورت علی بن ابی‌طالب انداخت.

امام از روی سینه‌ی عمرو برخاست. چند قدمی عقب‌تر رفت و شمشیر را پایین آورد. آن‌گاه بازگشت تا سر عمرو را از بدنش جدا کند.

عمرو گفت: چرا منصرف شدی؟ و اکنون باز آمدی؟ فرمود: تو آب دهان به صورت من انداختی. در آن حال من خشمگین شدم. نخواست با آن حال غضب، سر تو را از تن جدا کنم. من برای رضای خدا و در راه خدا مبارزه می‌کنم. در حالی که اگر اکنون تو را می‌کشتم کینه‌ای شخصی داشتم.

امام (ع) با عمرو جنگید و سر او را از تن جدا کرد و پیروز جنگ خندق گردید.

* از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل

شعر از مثنوی معنوی مولانا دفتر اول انتخاب شده است.

قافیه: عَمَل، دَغَل

شیر حق: شیر خدا

شیر حق استعاره از علی (ع) به دلیل شجاعت و پهلوانی به شیر تشبیه شده است.

معنی بیت: اخلاص عمل و پاکی نیت را از علی (ع) یاد بگیر. شیر خدا، این پهلوان نیرومند را از هر نوع فریب کاری و دغل بازی پاک و منزّه بدان.

* در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری بر آورد و شتافت

غزا: جنگ (جنگ‌هایی که پیامبر اکرم (ص) در آن حضور داشتند «غزوه» نامیده می‌شود).

قافیه: دست یافت، شتافت

پهلوان: عمرو بن عبدود

معنی بیت: در جنگ خندق بر پهلوانی به نام عمرو بن عبدود غلبه کرد، فوراً شمشیرش را در آورد و به سوی او شتافت.

* او خدو انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

قافیه: علی، ولی

معنی بیت: او (عمرو بن عبدود) آب دهان بر روی حضرت علی (ع) انداخت. همان علی (ع) که موجب افتخار پیامبران و امامان است. (مردی که همه‌ی پیامبران و امامان به او افتخار می‌کنند) مولانا در ادامه‌ی این بیت می‌گوید:

«او خدو انداخت بر رویی که ماه سجده آرد پیش او در سجده گاه»

حتی ماه هم در مقابل علی سر تعظیم فرود می‌آورد.

* در زمان انداخت شمشیر آن علی کرد او اندر غزایش کاهلی

قافیه: علی، کاهلی

در زمان: فوراً

شمشیر و غزا: تناسب دارند.

معنی بیت: علی (ع) فوراً شمشیر را انداخت و در مبارزه‌اش سستی کرد و عمرو را به حال خود وا گذاشت.

* گشت حیران آن مبارز زین عمل و ز نمودن عفو و رحم بی محل

قافیه: عمل، بی محل مترادف: عفو، رحم

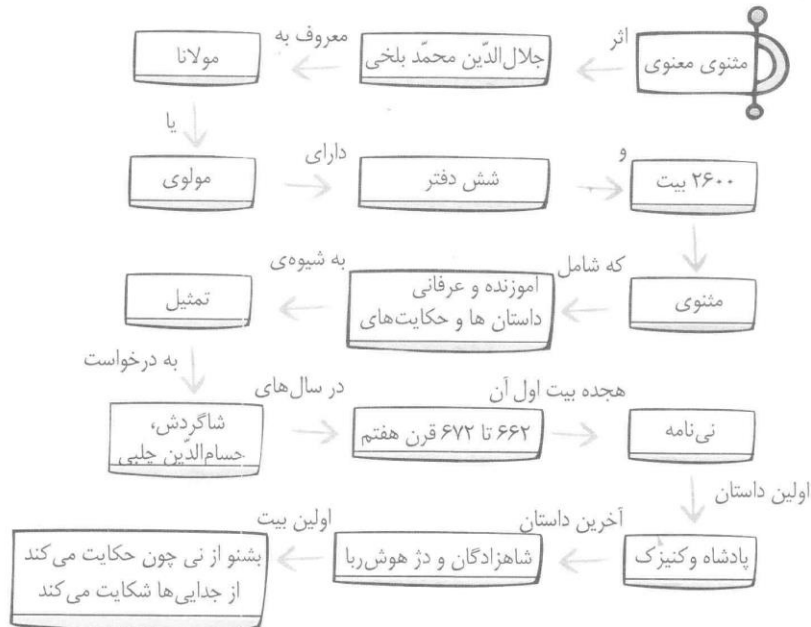
معنی بیت: عمرو بن عبدود از رحم و بخشش بی‌موقع و بی‌دلیل علی بن ابی طالب متعجب شد.

* گفت: بر من تیغ تیز افراشتی از چه افکندی، مرا بگذاشتی؟

قافیه: افراشتی، بگذاشتی

معنی بیت: عمرو بن عبدود به علی (ع) گفت: چه اتفاقی افتاد؟ تو که بر من شمشیر تیز و برنده کشیده بودی؟ چه طور شد که شمشیر را کنار گذاشتی و من را به حال خود وا گذاشتی؟

درباره‌ی مثنوی معنوی بدانیم:



نکته

وابسته‌های اسمی (۳)

صفت پرسشی - صفت تعجبی

به این جمله‌ها توجه کن:

* چه دوست خوبی!

* عجب روزگاری!

* چه موجودات دیدنی و زیبایی!

کلمات (دوست، روزگار و موجودات) در گروه‌های اسمی بالا، هسته هستند که قبل و بعد از خود، وابسته‌هایی دارند.

تاکنون وابسته‌ی پیشین صفت‌های اشاره و وابسته‌ی پسین صفت‌های بیانی را در درس‌های قبل خوانده‌ایم.

نوع دیگری از وابسته‌های پیشین به نام «صفت تعجبی» هم گاهی قبل از هسته می‌آید، گروه اسمی را

می‌سازد. مانند:

* چه کار خوبی کردی!

صفت تعجبی هسته صفت بیانی

(وابسته‌ی پیشین) (وابسته‌ی پسین)

* هرگاه واژه‌های «چه، عجب، چه قدر» همراه اسم یا جانشین اسم باشند، «صفت تعجبی» هستند و اگر به

تهایی بیایند، «ضمیر تعجبی» هستند که دیگر وابسته محسوب نمی‌شوند. مانند:

* چه کردی؟

ضمیر پرسشی

8GAM.TK

فارسی هشتم برای دانش‌آموزان تیزهوش

میلان

هرگاه واژه‌های «کدام، کدامین، چه، چگونه، چطور، چه جور، چه قدر، چه اندازه، چه مقدار، چند، چندان، چندمین و...» همراه اسم بیایند «صفت پرسشی» نامیده می‌شوند. اما اگر با اسم همراه نباشد «ضمیر پرسشی» هستند. مانند:

* چه کار خوبی کردی!

صفت تعجبی هسته صفت بیانی
(وابسته‌ی پیشین) (وابسته‌ی پسین)

* کدام را دوست داری؟
ضمیر پرسشی

که به ما سوا فکندی همه سایه‌ی هما را

* علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

صفت تعجبی هسته
(وابسته‌ی پیشین)

ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد

* دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد

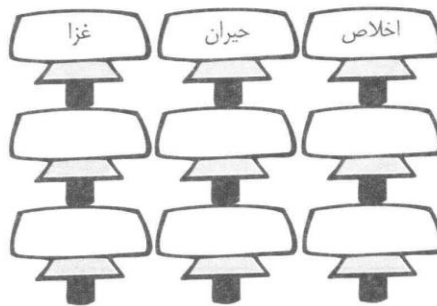
صفت پرسشی هسته
(وابسته‌ی پیشین)

تمرین‌های تشریحی

۱) برای کلمات زیر، هم‌معنی (مترادف) بنویس.

اخلاص: منزّه: غزا: خَدو:
کاهلی: تیغ: دَغَل: حیران:

۲) برای کلمه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویس.



۳) با توجه به بیت زیر، به سؤال‌ها پاسخ بده.

«از علی آموز، اخلاص عمل شیرِ حق را دان منزّه از دَغَل»

الف) ردیف و قافیه را در بیت انتخاب کن.

ب) این بیت از کدام کتاب انتخاب شده است؟

ج) قالب شعر چیست؟

د) بیت از چند جمله تشکیل شده است؟

ه) یک فعل، یک متمم و یک مفعول از مصراع اول پیدا کن.

فعل: متمم: مفعول:

و) نوع جمله‌ها را در بیت مشخص کن.

۴) شعر «شیرِ حق» به کدام داستان و واقعه‌ی تاریخی اشاره دارد؟

۵) در جمله‌های زیر، هسته و نوع وابسته را در هر گروه اسمی مشخص کن.

* چه خط زیبایی!

* عجب کتاب پر‌محتوایی است، این مثنوی معنوی!

* کدام کتاب را برای مطالعه انتخاب می‌کنی؟

* یا رب این نوگل خندان که سپردی به منش می‌سپارم به تراز چشم حسود چمنش

۶ نوع ترکیب‌های زیر را مشخص کن.



کلمه‌های مهم املائی



اخلاص - منزّه - دغل - غزا - پهلوان - خدو - افتخار - کاهلی - حیران - عفو - رحم بی‌محل - تیغ -
افراشتی - بگذاشتی - مأمور - شهوت - آزر

نکته‌های املائی

برخی از واژه‌ها در فارسی به دو شکل نوشته می‌شوند و به دو شکل خوانده می‌شوند. اما معنی آن‌ها با هم تفاوت ندارد. در نوشتن این کلمات باید به تلفظ واژه و املائی درست آن توجه کافی داشته باشیم. مانند:
هوشیار و هشیار - آینه و آیینه - جاودان و جاویدان - آشیان و آشیانه

۷ حروف جا افتاده در کلمات زیر را از بین حروف مقابل آن پیدا کن و در جای خود قرار بده. (یک‌بار از روی هر کلمه بنویس).

- * مَه ه (ز - ظ - ذ - ض) (.....)
- * اخلا (ص - ث - س) (.....)
- * م مور (أ - آ - ئ) (.....)
- * ذ ل (ق - ف - غ - ر) (.....)

۸ شکل دیگر کلمات زیر را بنویس.

جرئت	مسأله
هیئت	هوشیار



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. متضاد واژه‌ی «منزه» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) پاکیزه ☐ (۲) تسبیح‌گوی ☐ (۳) دغل‌باز ☐ (۴) ناپاک ☐

۲. کدام یک از گزینه‌های زیر، هم‌خانواده‌ی «غزا» هستند؟

- (۱) غازی ☐ (۲) قضاوت ☐ (۳) قضیه ☐ (۴) غذا ☐

۳. واژه‌ی «غزا» با کدام یک از کلمات زیر، جناس ندارد؟

- (۱) قضا ☐ (۲) غذا ☐ (۳) عزا ☐ (۴) نغز ☐

۴. کدام یک از ترکیب‌های زیر، ترکیب تشبیه‌ی است؟

- (۱) باد خشم ☐ (۲) تیغ تیز ☐ (۳) شیر حق ☐ (۴) فعل من ☐

۵. مترادف «دغل، آز، خلوص» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) فریب، پاک‌نیتی، طمع ☐ (۲) دروغ، طمع، پاک‌نیتی ☐
(۳) فریب و حقه، طمع، پاک‌نیتی ☐ (۴) دروغ، آرزو، پاک‌نیتی ☐

۶. هم‌خانواده‌ی «اخلاص، عمل، غزا، حیران» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) مخلص، عملیات، غازی، متحیر ☐ (۲) خلوص، اعلامیه، غازی، حیرت ☐
(۳) مخمضه، اعمال، غزوه، تحیر ☐ (۴) متخلص، معمولاً، غزه، تبخر ☐

۷. قالب شعر «شیر حق» است.

- (۱) مثنوی ☐ (۲) غزل ☐ (۳) قصیده ☐ (۴) قطعه ☐

۸. نقش دستوری کلمه‌ی مشخص شده در بیت زیر چیست؟

- «چون در آمد در میان غیر خدا»
(۱) نهاد ☐ (۲) مفعول ☐ (۳) مضاف‌الیه ☐ (۴) متمم ☐
- «تیغ را دیدم نهان کردن سزا»

۹. کدام یک از کلمات زیر، در بیت «گشت حیران آن مبارز، زین عمل / وز نمودن عفو و رحم بی‌محل» نقش مسند را دارد؟

- (۱) حیران ☐ (۲) عفو ☐ (۳) رحم بی‌محل ☐ (۴) آن مبارز ☐

۱۰. در کدام یک از مصراع‌های زیر، قید به کار رفته است؟

- (۱) شیر حقم نیستم شیر هوا ☐ (۲) گفت: من تیغ از پی حق می‌زنم ☐
(۳) او خدو انداخت بر روی علی ☐ (۴) در زمان انداخت شمشیر آن علی ☐

پاسف‌نامی کلیدی درس یازدهم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
□ □ □ □ ۹	□ □ □ □ ۷	□ □ □ □ ۵	□ □ □ □ ۳	□ □ □ □ ۱
□ □ □ □ ۱۰	□ □ □ □ ۸	□ □ □ □ ۶	□ □ □ □ ۴	□ □ □ □ ۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. گزینه‌ی (۴) منزّه ≠ ناپاک
۲. گزینه‌ی (۱) غازی یعنی جنگجو و با غذا هم‌خانواده است.
۳. گزینه‌ی (۴) قضا و غذا هم‌آوا هستند و با عزا و غذا هم جناس ناقص اختلافی دارند.
۴. گزینه‌ی (۱) باد به خشم تشبیه شده است.
تیغ تیز: ترکیب وصفی و شیرِ حق و فعلِ من: ترکیب اضافی است.
۵. گزینه‌ی (۳) دغل: فریب و حقّه - آز: طمع - خلوص: پاک‌نیتی
۶. گزینه‌ی (۱) در گزینه‌ی (۲): «علامیه» با «عمل» هم‌خانواده نیستند.
در گزینه‌ی (۳): «مخمصه» با «اخلاص» هم‌خانواده نیست.
در گزینه‌ی (۴): «تبخّر» با «حیران» هم‌خانواده نیست.
۷. گزینه‌ی (۱)
۸. گزینه‌ی (۳) نهان کردنِ تیغ را شایسته دانستم.
مضاف‌الیه
۹. گزینه‌ی (۱)
۱۰. گزینه‌ی (۴) در زمان به معنی «فوراً» است و نقش قید دارد.

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس یازدهم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
□ □ □ ■ ۹	□ □ □ ■ ۷	□ ■ □ □ ۵	■ □ □ □ ۳	■ □ □ □ ۱
■ □ □ □ ۱۰	□ ■ □ □ ۸	□ □ □ ■ ۶	□ □ □ ■ ۴	□ □ □ ■ ۲

حکایت

«خودشناسی»

آورده‌اند که، مردی در راهی می‌رفت و درمی چند در آستین داشت و در عقیدتش خلل بود. یکی او را گفت: «کجا می‌روی؟» گفت: «درمی دارم؛ به خزفروشان می‌شوم تا خزی خرم.» بگو: «انشاء...!» گفت: «به انشاء... چه حاجت است؟ که زر بر آستین است و خز در بازار!» او بگذشت. در راه طراری به وی بازخورد و آن زر به حیلت ببرد. چون آن مرد واقف شد که زر بیردند، خجل‌وار بازگشت و به اتفاق، هم آن مرد به او بازخورد و گفت: «هان! خز خریدی؟» گفت: «زر بیردند انشاء...!» گفت: «اشتباه کردی؛ انشاء...» در آن موضع باید گفت تا فایده دهد!

(روح‌الارواح سمعی)



واژه‌نامه

عقیدتش: اعتقاداتش	درم: واحد پول قدیمی (درهم)
انشاء...: اگر خدا بخواهد	خزفروشان: پشم‌فروشان
طرار: دزد	حاجت: نیاز
واقف: آگاه	حیل: فریب
موضع: جا، موقع	خجل‌وار: خجالت‌زده

شرح برخی از عبارات:

- * آورده‌اند: روایت کرده‌اند
- * درمی چند در آستین داشت: چند درهمی در آستین خود پنهان کرده بود.
- * در عقیدتش خلل بود: ایمان محکم و استواری نداشت.
- * به خزفروشان می‌شوم تا خزی بخرم: به بازار پشم‌فروشان می‌روم که مقداری پشم بخرم.
- * زر در آستین است و خز در بازار: سکه‌های طلا در آستینم است و پشم هم در بازار (همه چیز آماده است و مشکلی نیست).
- * چون آن مرد واقف شد: وقتی مرد خبردار شد که سکه‌هایش دزدیده شده است.

* انشاء... در آن موضع باید گفت تا فایده دهد: «اگر خدا بخواهد» را وقتی باید بگویی که برایت فایده داشته باشد. (یعنی قبل از انجام کار، کار را به خدا بسپار که پس از آن فایده‌ای برایت ندارد.) خداوند کریم در آیه‌های ۲۳ و ۲۴ سوره‌ی کهف سفارش فرموده است: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا. إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ...» «و هیچ‌گاه با قاطعیّت مگو که فردا چنین کاری را انجام خواهم داد، مگر آن را به خواست خدا واگذار نموده باشی.»

روح‌الارواح

روح‌الارواح کتابی است در شرح عرفانی اسماء... که عارف قرن چهارم و پنجم، احمد بن منصور سمعانی آن را به رشته‌ی تحریر درآورده است.

8GAM.TK

درس دوازدهم

ادبیات انقلاب

نخستین ابزار پیدایش ادبیات، زبان است. زبان، عامل انسجام و وحدت همه اقوام یک سرزمین است و برای آشنایی با اندیشه‌ها و باورهای هر جامعه بهترین راه روی آوردن به ادبیات آن جامعه است. در حقیقت، ادبیات بیان حال یک جامعه است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، درهای تازه‌ای به روی ادبیات گشوده شد و واژه‌ها و ترکیب‌هایی مانند «استقلال، اسلام، قیام، شهادت، ایثار، شرافت و...» در زبان مردم رواج و گسترش داده شد.

در ادبیات انقلاب به آزاداندیشی توجه شد و فضیلت‌هایی مانند همدلی، صفا و ایثار و مقاومت و مبارزه در برابر ظالمان و روحیه جوان‌مردی و پهلوانی پدیدار شد.

ادبیات انقلاب اسلامی، آینه‌ی انقلاب است و گنجینه‌ای است که آرمان‌های انقلاب اسلامی را در خود جای داده است.



واژه‌نامه

عوامل: سبب‌ها، دلایل
انسجام: به هم پیوستگی
منبت: خوی، سرشت
جلوه‌گر: نمایان، پدیدار

ابزار: وسایل
گونگون: متفاوت
اقوام: خویشان (جمع قوم)
واقع: اتفاق، حادثه

ایستادگی: مقاومت	ستم‌ستیزی: مبارزه با ستم
ولایت: رهبری	جان‌پازی: ایثار، از خودگذشتگی
حماسه: دلیری	رشادت: دلاوری
رواج: گسترش یافتن	فضیلت: برتری، ارزش‌های اخلاقی (مفرد فضایل)
محتوا: درون‌مایه	رادمردی: جوان‌مردی
معاصر: هم‌عصر، هم‌زمان	یک‌پارچگی: هماهنگی، وحدت
فروپاشی: نابودی	زایا: زاینده

نکته

گاهی شاعر یا نویسنده با بیانی غیرمستقیم مقصود خود را بیان می‌کند و درباره‌ی موضوعی، پوشیده سخن می‌گوید. در این صورت او «کنایه» بهره گرفته است. «کنایه» سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده، معنای دور آن است.

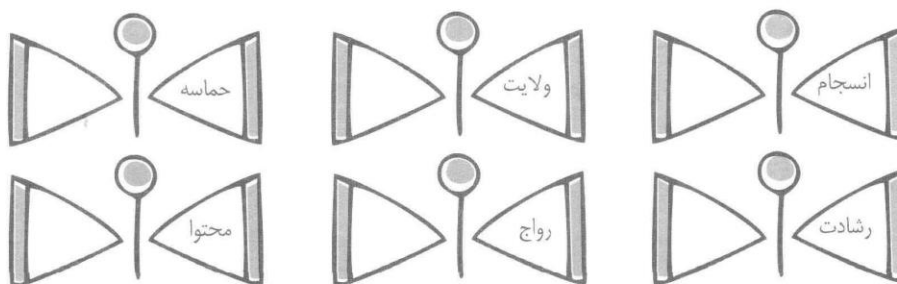
وقتی می‌گوییم: «فلانی در خانه‌اش به روی همه باز است.» دو مفهوم باز بودن در، روی هر کسی و مهمان‌نواز بودن از آن استنباط می‌شود که منظور گوینده، مهمان‌نواز بودن است.

هر یک از عبارات زیر، کنایه است:

- ❖ «دست از پا درازتر برگشتن» کنایه از ناموفق بودن در کاری.
- ❖ «پا را از گلیم خود درازتر کردن» کنایه از خارج شدن از حریم خود و تجاوز به حقوق دیگران.
- ❖ «در پوستین خلق افتادن» کنایه از غیبت کردن.
- ❖ «به تنگ آمدن» کنایه از خسته شدن و به ستوه آمدن.
- ❖ «قند در دل کسی آب شدن» کنایه از بسیار شاد بودن.

تمرین های تشریحی

۱) برای هر یک از کلمات زیر، هم معنی بنویس.



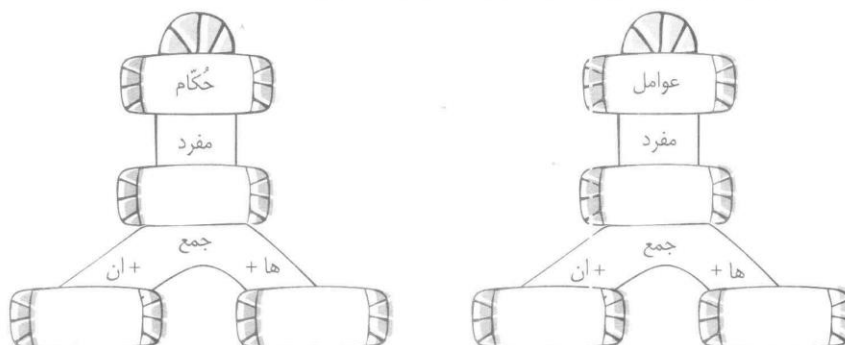
۲) جدول زیر را کامل کن.

جمله	هسته ی نهاد	وابسته ی نهاد و نوع آن
* واقعه ی عظیم انقلاب، ارزش های اخلاقی ایران را دگرگون کرد. * این انقلاب اسلامی درهای تازه ای به روی ادبیات گشود. * عجب درون مایه و محتوایی این انقلاب دارد!		

۳) کلمه های متضاد را به یک دیگر وصل کن.
(یک کلمه اضافی است.)



۴) مفرد هر کدام از واژه های زیر را بنویس و آن ها را با (ها) و (ان) جمع ببند.



با استفاده از کلمات داده شده، عبارت‌های کنایی بنویس و مفهوم آن را بیان کن. (مانند نمونه)

پنبه را از گوش درآوردن	گوش
کنایه از دقیق گوش کردن و عدم حواس‌پرتی	
	دست
	پا
	آب
	نمک

نقش دستوری کلمات مشخص شده را به آن وصل کن.

مستند	اصولاً کلید شناخت هر مکتبی، ادبیات آن مکتب است.
مفعول	این انقلاب دینی و فرهنگی در آثار نویسندگان پس از انقلاب اسلامی نیز جلوه‌گر شد.
نهاد	انقلاب اسلامی درهای تازه‌ای به روی ادبیات گشود.
متمم	انقلاب، واژه‌ها و ترکیب‌هایی مانند ایثار و شرافت و استقلال را در زبان مردم رواج داد.

سه ویژگی برجسته‌ی انقلاب را نام ببر.

۱	۲
۳	

۸ ضمایر متصل و منفصل را به شخص و شمار مربوطه وصل کن. (مانند نمونه)

من	سوم شخص جمع	تَن -
تو	دوم شخص جمع	ت -
او	اول شخص مفرد	شَن -
ما	اول شخص جمع	م -
شما	دوم شخص مفرد	مَن -
آنها	سوم شخص مفرد	ش -

کلمه های مهم املائی



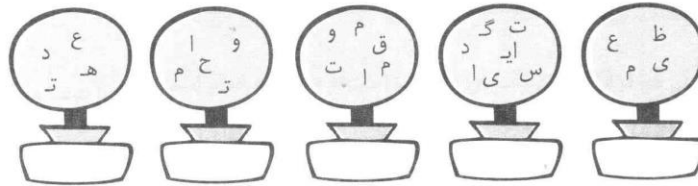
ابزار - عوامل - گوناگون - پدید - نخستین - پیدایش - انسجام - وحدت - سرزمین - نماینده - اندیشه - جامعه - مقصود - نظم - ثمر - آیین - منش - اشخاص - اصولاً - واقعه - عظیم - بنیاد - معیار - نویسندگان - جلوه گر - ایثار - تعهد - ایستادگی - ستم ستیزی - عدالت - فضیلت - صفا - ظالمان - روحیه - محتوا - درون مایه - گنجینه - معاصر - فروپاشی - ویژگی - برجسته - خدامحوری - ولایت فقیه - وحدت - یکپارچگی - اعتقاد - عامل - استواری - توحید - دوگانگی - برخاست - پیشوایی - بنیان گذار - تعلیم - آغاز - اعلام - بهره گیری - سرچشمه ی زایا - پاینده

نکته های املائی

هنگام ترکیب شدن دو اسم، یا یک اسم و صفت با یکدیگر از نشانه ی (ـ) استفاده می شود. اما اگر آخرین حرف از کلمه ی اول صدای (ا) یا (ه) یا (و) باشد؛ به جای نشانه ی (ـ) از (ی) استفاده می کنیم. مانند:

* خانهِ مردم	* ساعتِ من	* کندویِ عسل
* دستِ علی	* صدایِ آشنا	* سبذِ میوه

۹ با حروف در هم ریخته‌ی هر شکل، کلمه‌ی معنی‌داری بساز که در متن درس آمده است.



۱۰ هر کلمه را به کلمه‌ی مناسب آن وصل کن و ترکیب جدید بساز. (مانند نمونه)

واژه‌ی (۱)	واژه‌ی (۲)	ترکیب جدید	نوع ترکیب
عوامل	فرهنگ	عوامل گوناگون	ترکیب وصفی
آینه	ادبی		
اثر	جوان‌مردی		
واژه‌ها	انقلاب		
روحیه	گوناگون		
آرمان‌ها	جدید		

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱. «انگشت گزیدن» کنایه است از:

- (۱) ارشاد کردن ☐ (۲) دست برداشتن ☐ (۳) بی‌توجهی کردن ☐ (۴) حسرت خوردن ☐

۲. «گرد شدن چشم» کنایه از چیست؟

- (۱) بی‌پروایی ☐ (۲) بی‌اعتنایی ☐ (۳) میوهوت شدن ☐ (۴) مأیوس شدن ☐

۳. کدام‌یک از گزینه‌های زیر، کنایه نیست؟

- (۱) مدتی است شکم‌ها را صابون مالیده‌ایم. ☐ (۲) بگذار سَمَاق بمکد. ☐
(۳) این کار شگوم ندارد. ☐ (۴) پشت دستم را داغ کردم. ☐

۴. معنای کنایی کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) آب در هاون کوبیدن: کار بیهوده کردن ☐ (۲) چین بر جبین افکندن: ناراضی بودن و اخم کردن ☐
(۳) سپر انداختن: تسلیم شدن ☐ (۴) سیه‌روی شدن: کثیف و آلوده شدن ☐

۵. کدام‌یک از کلمات زیر صحیح معنی نشده است؟

- (۱) فضیلت: اضافه شدن ☐ (۲) رادمردی: جوانمردی ☐
(۳) محتوا: درون‌مایه ☐ (۴) جلوه‌گر: نمایان ☐

۶. در کدام‌یک از گزینه‌های زیر، وابسته‌ی پسین هسته، صفت بیانی است؟

- (۱) انقلاب اسلامی، درهای تازه‌ای به روی ادبیات گشود. ☐
(۲) در ادبیات انقلاب به آزاداندیشی توجه شد. ☐
(۳) انقلاب، گنجینه‌ای است که آرمان‌های انقلاب را در خود جا داده است. ☐
(۴) زبان هر جامعه‌ای نماینده‌ی فکر و فرهنگ همان روزگار است. ☐

۷. در کدام‌یک از گزینه‌ها، کلمات مشخص شده، به ترتیب نقش (نهاد، مفعول و متمم) را دارند؟

- (۱) ادبیات به یاری ابزارها و عوامل گوناگون پدید می‌آید. ☐
(۲) زبان، عامل انسجام و وحدت همه‌ی اقوام یک سرزمین است. ☐
(۳) وقتی شما به یک اثر ادبی رو می‌کنید، چهره‌ی انسان‌های آن جامعه را پیش چشم خود دارید. ☐
(۴) انقلاب اسلامی، واژه‌های جدیدی را با نگرشی جدید بین مردم رواج و گسترش داد. ☐

۸. فعل در کدام‌یک از عبارت‌های زیر اسنادی نیست؟

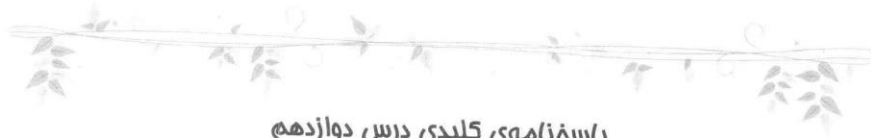
- (۱) فضیلت‌هایی مانند همدلی و صفا و مقاومت در برابر ظالمان و روحیه‌ی جوانمردی پدیدار گشت. ☐
(۲) بهترین راه برای آشنایی با اندیشه‌ها و باورهای هر جامعه، روی آوردن به ادبیات آن جامعه است. ☐
(۳) عشق و شور و رادمردی و ایثار در محتوای آثار انقلابی موج می‌زند. ☐
(۴) انقلاب دینی و فرهنگی در آثار نویسندگان پس از انقلاب اسلامی نیز جلوه‌گر شد. ☐

۹. کدام گزینه درباره‌ی (زبان) صحیح است؟

- ☐ (۱) نخستین ابزار پیدایش ادبیات است. ☐ (۲) پدیده‌ای زنده و زایا و نظام‌مند است. ☐ (۳) نماینده‌ی بی‌فکر و فرهنگ هر جامعه است. ☐ (۴) همه‌ی موارد صحیح است.

۱۰. در عبارت «کلید فهم هر فرهنگی، ادبیات آن فرهنگ است.» «مسند» کدام است؟

- ☐ (۱) کلید فهم هر فرهنگ ☐ (۲) ادبیات آن فرهنگ ☐ (۳) کلید ☐ (۴) ادبیات



پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس دوازدهم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
☐ ☐ ☐ ☐ ۹	☐ ☐ ☐ ☐ ۷	☐ ☐ ☐ ☐ ۵	☐ ☐ ☐ ☐ ۳	☐ ☐ ☐ ☐ ۱
☐ ☐ ☐ ☐ ۱۰	☐ ☐ ☐ ☐ ۸	☐ ☐ ☐ ☐ ۶	☐ ☐ ☐ ☐ ۴	☐ ☐ ☐ ☐ ۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. گزینه‌ی (۴)
انگشت گزیدن: کنایه از افسوس خوردن و حسرت بردن از چیزی است.
۲. گزینه‌ی (۳)
گرد شدن چشم: کنایه از مبهوت و متعجب شدن است.
۳. گزینه‌ی (۳)
- شکم را صابون مالیدن: کنایه از خوش خیال بودن درباره‌ی کاری است.
- سماق مکیدن: کنایه از معطل بودن است.
- پشت دست را داغ کردن: کنایه از پشیمان شدن از کاری و آن کار را دیگر انجام ندادن است.
۴. گزینه‌ی (۴)
سیه‌روزی شدن: کنایه از رسوا شدن است.
۵. گزینه‌ی (۱)
فضیلت به معنی برتری است.
۶. گزینه‌ی (۱)
انقلاب اسلامی، درهای تازه‌ای به روی ادبیات گشود.
هسته صفت بیانی
(وابسته‌ی پسین)
۷. گزینه‌ی (۴)
۸. گزینه‌ی (۳)
(است، بود، شد، گفت، گردید) افعال اسنادی هستند. البته اگر گشت و گردید به معنی گردش کردن و دور چرخیدن نباشد و است و بود به معنی وجود داشتن نباشد.
- هوا تاریک گشت. (اسنادی)
- اقوام من اصفهان را گشتند. (غیراسنادی)
- دانش‌آموزان در کلاس هستند. (غیراسنادی)
- دانش‌آموزان کوشا هستند. (اسنادی)
- غذا گرم بود. (اسنادی)
- غذا در قابلمه بود. (غیراسنادی)
۹. گزینه‌ی (۴)
۱۰. گزینه‌ی (۲)
جملاتی که دارای فعل اسنادی هستند به مسند نیاز دارند. معمولاً گروه اسمی قبل از فعل ربطی «مسند» نامیده می‌شود.

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس سیزدهم

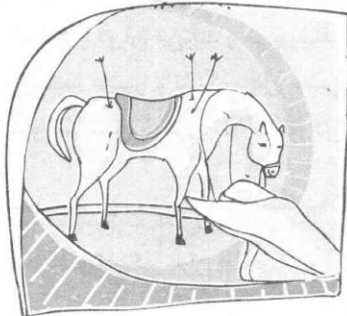
۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
■ □ □ □ ۹	■ □ □ □ ۷	□ □ □ ■ ۵	□ ■ □ □ ۳	■ □ □ □ ۱
□ □ ■ □ ۱۰	□ ■ □ □ ۸	□ □ □ ■ ۶	■ □ □ □ ۴	□ ■ □ □ ۲

8GAM.TK

درس سیزدهم

یاد حسین (ع)

سرچشمه افتخار میدان، تشنه
ماندست فقط نگار میدان، تشنه
چشمان پر از غبار میدان تشنه
پرپر شود او کنار میدان تشنه



آن صف شکن و سوار میدان تشنه
سیراب شدند تشنگان با شمشیر
او خسته و آن مرکب و تیغش خسته
آن لاله که لحظه لحظه اش سرخ تر است
آرام و قرار برده از دلها
بر هم زن و بی قرار میدان تشنه
من تشنه لب تشنه لبم در این جا
با اشک در انتظار میدان، تشنه

واژه نامه

کام: دهان	تف: حرارت، گرما
افسوس: حسرت	سخنور: شاعر
بحر: دریا	ردیف: کلمات پایان برخی از ابیات که هم از نظر آوا و هم از نظر نوشتن و معنی یکسان باشد، ردیف نامیده می شود.
عطشان: تشنه	خسرو: پادشاه
آل: خاندان	فتد: افتد
اصغر: حضرت علی اصغر (ع)	شط: رودخانه
بر: خشکی	اکبر: حضرت علی اکبر (ع)
	محشر: روز قیامت



رود: سینه، کذا:

سگور: تکراری

یاور: یاری گر

قلم: قلم

توضیح برخی از ابیات:

«قالب شعر «یاد حسین (ع)» قصیده است.

شد چنان از تفِ دل کام سخنور تشنه که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه

قافیه: سخنور، یکسر، یاور، بر، اصغر، کوثر، محشر ردیف: تشنه

(فعل از پایان جمله به اول جمله آورده شده است.)

معنی بیت: از شدت گرمای دل، چنان دهان شاعر تشنه گشته که تمام ردیف شعرش کلمه‌ی تشنه شده است.

خشک گردید هم از دودِ دل و دیده، دوات خامه با سوز، رقم کرد به دفتر تشنه

واج‌آرایی (نغمه حروف) در حرف (د).

دوات: جوهری که قلم را در آن می‌زنند و می‌نویسند.

معنی بیت: آن‌قدر واقعه عاشورا و تشنگی اهل حسین (ع) سوزناک و دردآور بود که دوات هم از این دودِ دل و اشک چشم، خشک شد و قلم بدون جوهر و تنه با سوز دل در دفتر شاعر کلمه‌ی «تشنه» را نوشت.

آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا بود آن خسرو بی‌لشگر و یاور تشنه

اشاره به واقعه‌ی کربلا و تشنگی یاران امام حسین (ع) در دشت کربلا و بی‌یار و یاور بودن امام حسین (ع) در دشت کربلا دارد.

معنی بیت: افسوس از آن روز که در کربلا، آن پادشاه بدون لشکر و بدون یاور تشنه بود.

بالب خشک و دل سوخته و دیده‌ی تر غرقه‌ی بحر بلا بود در آن بر، تشنه

آرایه‌ی تناسب (مراعات‌النظیر) دارد. بین لب، دل و دیده شبکه معنایی ایجاد شده است.

آرایه‌ی تضاد دارد. بین بحر و بر (دریا و خشکی) تضاد وجود دارد.

آرایه‌ی تشبیه دارد. بحر بلا، ترکیب اضافه تشبیه‌ی است. بلا به بحر (دریا) تشبیه شده است.

معنی بیت: با لبی خشک و دلی سوخته از عشق خدا و چشمانی از اشک، خیس، در حالی که دچار مصیبت‌های زیادی شده بود، لب تشنه بود.

همچوماهی که فتد ز آب برون، آل نبی می‌پیدی دلشان، سوخته در بر تشنه

آرایه‌ی تشبیه دارد.

(رکن اول) مشبه: آل نبی

(رکن دوم) مشبه‌به: ماهی

(رکن سوم) وجه شبه: از شدت تشنگی بالا و پایین پریدن

(رکن چهارم) ادات تشبیه: همچو

✽ جناس تام دارد: بین بر (خشکی) و بر (سینه) جناس وجود دارد.

✽ تناسب (مراعات النظیر) دارد. بین ماهی و آب شبکه معنایی ساخته شده است.

معنی بیت: مانند ماهی که از آب بیرون می‌افتد، اهل بیت پیامبر هم دلشان از شدت تشنگی در سینه می‌سوخت و می‌تپید.

✽ آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه

✽ آرایه‌ی تضاد دارد. بین بزرگ و کوچک تضاد وجود دارد و (اکبر و اصغر) هم مخالف یک‌دیگر هستند.

معنی بیت: خاندان حضرت محمد (ص) و فرزندان حضرت علی (ع) از بزرگ و کوچک همگی تشنه‌لب بودند.

✽ تشنه‌لب کشته شود در لب شط از چه گناه آن‌که سیراب کند در لب کوثر تشنه

✽ جناس تام بین لب (اعضای بدن) در تشنه‌لب و لب (کنار) در لب شط وجود دارد.

معنی بیت: آن کسی که بر ساخل چشمه‌ی کوثر همه‌ی تشنگان را سیراب می‌کند به کدام گناه باید در کنار آب فرات، در حالی که تشنه است؛ کشته شود؟

✽ برد عباس جوان، ره چو سوی آب فرات ماند بر یاد حسین تا صف محشر تشنه

عباس، برادر امام حسین (ع) معروف به ابوالفضل (ع) است.

اشاره به وفاداری حضرت ابوالفضل (ع) به امام حسین (ع) دارد و این واقعه را بیان می‌کند که حضرت عباس (ع) به کنار رود فرات رسیدند و خواستند آب بنوشند که به یاد امام حسین (ع) افتادند و جرعه‌ای از آب ننوشیدند.

✽ آرایه‌ی تلمیح دارد.

معنی بیت: وقتی که عباس جوان به آب فرات رسید به یاد تشنگی امام حسین (ع) تا قیامت تشنه ماند.

✽ گشت از کلک «فدایی» چو دلش دود بلند بر ورق کرد رقم بس که مکرر تشنه

✽ آرایه‌ی تشبیه دارد.

فدایی «شاعر» است که در بیت آخر تخلص کرده و نامش را آورده است.

معنی بیت: آن قدر قلم فدایی بر ورق به‌طور مکرر نوشت «تشنه»، که آه و دود از دلش بلند شد و خود احساس عطش و تشنگی کرد.

از شاعران و مرثیه‌سرایان بزرگ عاشورایی در عصر قاجار است. در سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ در شهر ساری می‌زیسته. وی واقعه‌ی کربلا را به نظم درآورده است. دیوان اشعاری دارد که بخش نخستین آن در قالب ترکیب‌بند سروده شده و حدود ۴۲۰۰ بیت دارد که «مستقل منظوم» نامیده می‌شود. در بخش دوم آن به مفاهیم ادبیات عاشورایی پرداخته است. شعر «یاد حسین (ع)» گزیده‌ای از قصیده‌ای بلند و شکوهمند است که از طولانی‌ترین قصاید استوار عاشورایی به‌شمار می‌آید.

کلمه یا کلماتی که بعد از قافیه در پایان مصراع‌ها و ابیات می‌آیند و عیناً از نظر لفظ و معنی یکسان می‌باشند؛ هستند. مانند:

شعله، طفل نی‌سواری بیش نیست

برق با شوقم شراری بیش نیست

از کف خاکم غباری بیش نیست

آرزوهای دو عالم دستگاه

و یا در بیت:

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

کلمه‌ی قبل از ردیف، حتماً قافیه است.

قافیه دو کلمه‌ی پایانی هر بیت است که برخی از حروف آن‌ها با هم یکسان است. مانند: پرواز - آواز
اگر دو کلمه‌ی پایان مصراع‌ها یا ابیات در تلفظ یکسان ولی در معنی متفاوت باشند، ردیف به حساب نمی‌آیند، بلکه آن‌ها را قافیه حساب می‌کنیم. مانند:

چنان چون شده، باز جوید روان
قافیه

خرامان بشد سوی آب روان
قافیه

(روان) در مصراع اول به معنی جاری و در مصراع دوم به معنی روح و جان. اگر کلمه‌ی قبل از ردیف، هم‌آهنگ نبود و حروف آخرشان مثل هم نبود، پس دو کلمه‌ی پایانی که ردیف در نظر گرفته بودید، ردیف نخواهد بود. مانند (آب) و (جوید) در بیت بالا.

عاقبت ای دل همه یکسر گلیم
قافیه

خواجه در اجریشم و ما در گلیم
قافیه

(گلیم) در مصراع اول به معنی زیرانداز و در مصراع دوم به معنی گل هستیم، است.

تمرین‌های تشریحی

۱) مترادف (هم‌معنی) کلمات زیر را بنویس.

تَف:	شَط:	کَلک:
سَخَنور:	مَحشَر:	بَحَر:
عَطشان:	فَسوس:	کام:

۲) در بیت زیر، آرایه‌های ادبی را مشخص کن.

تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه
آن که سیراب کند در لب کوثر تشنه

۳) قافیه و ردیف را در ابیات زیر مشخص کن.

* توانا بود هر که دانا بود	ز دانش دل پیر بر ناپا بود
* صد سال ره مسجد و میخانه بگیری	عمرت به هدر رفته اگر دست نگیری
* ای صبا نکستی از خاک ره یار بیار	بیر اندوه دل و مژده‌ی دلدار بیار
* گر سنگ همه لعل و بدخشان بودی	پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی
* آن یار دل‌ریا که رُخس را هر آینه	چون مه نموده راست نماید در آینه

۴) بیت زیر را به نثر روان بازنویسی کن.

«بُرد عباس جوان، ره چو سوی آب فرات
ماند بر یاد حسین تا صف محشر تشنه»

8GAM.TK

فارسی هشتم برای دانش‌آموزان تیزهوش



۵ قالب شعر «یاد حسین (ع)» چیست؟ شکل آن را ترسیم کن.

۶ بیت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟ جمله‌ها را با کشیدن خط زیر هر کدام مشخص کن.
«آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا بود آن خسرو بی‌لشگر و یاور تشنه»

کلمه‌های مهم املائی

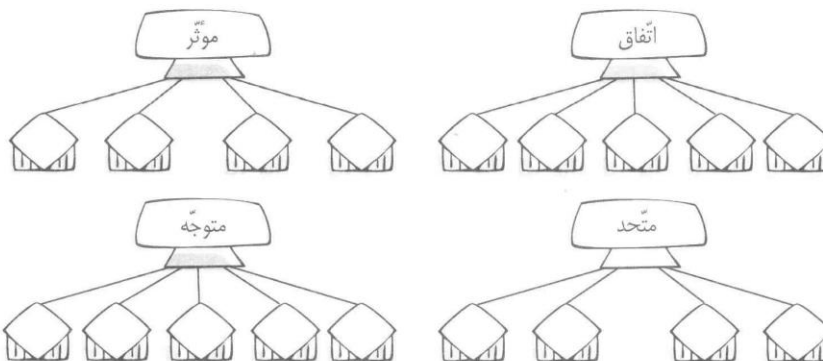


تَف - سخنور - افسوس - لشگر - دل‌سوخته - غرقه - بحر - آل نبی - می‌تپید - عطشان - حیدر - اصغر - لب شط - سیراب - کوثر - فَرَات - صفِ محشر

نکته‌های املائی

۱) نشانه‌ای که دو حرف «ک» و «گ» را از یک‌دیگر مشخص می‌کند، سرکج آن‌هاست و رعایت آن کاملاً ضروری است.
۲) در گذاشتن نشانه‌ی (تشدید) هم باید دقت کنیم که حتماً روی همان حرفی که تشدید خوانده می‌شود قرار داده شود. اضافه کردن تشدید یا حذف آن صحیح نیست؛ مانند: «گلاب» که تشدید ندارد و «گلاب» صحیح است. و یا در کلمه‌ی «اتحاد» تشدید روی حرف (ت) قرار می‌گیرد.

۷) همه‌ی کلمات زیر، نشانه‌ی تشدید دارند. حروف هر کلمه را به‌صورت متقاطع و حرف به حرف بنویس و حرفی را که نشانه‌ی تشدید دارد، رنگ بزن.



8GAM.TK

میلان

فصل پنجم / درس سیزدهم: یاد حسین (ع)

با استفاده از کلماتی که در درس‌های قبل و درس جدید خوانده‌ای، جدول زیر را کامل کن.

.....				ک ک
.....				گ گ



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. در بیت «شد چنان از تفِ دل کامِ سخنور تشنه / که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه» به ترتیب کدام کلمات نقش نهاد،

مسند و متمم را دارند؟

- (۱) تفِ دل، کام، تشنه ☐ (۲) کام سخنور، تشنه، تفِ دل ☐
(۳) تفِ دل، کام سخنور، تشنه ☐ (۴) تشنه، کام، ردیف ☐

۲. قالب شعر «یاد حسین (ع)» است و شاعر آن است.

- (۱) مثنوی، ایرج میرزا ☐ (۲) قصیده، فدایی ☐ (۳) قصیده، ملک الشعرای ☐ (۴) غزل، فدایی ☐

۳. در بیت زیر چه آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟

«همچو ماهی که فتد ز آب برون، آل نبی

می‌تپیدی دلشان، سوخته در بر تشنه»

- (۱) تشبیه - تشخیص ☐ (۲) تشبیه - تناسب ☐ (۳) تشخیص - تناسب ☐ (۴) کنایه - تشخیص ☐

۴. «بحرِ بلا» و «لب خشک» چه نوع ترکیبی هستند؟

- (۱) اضافی - وصفی ☐ (۲) اضافی - تشبیهی ☐ (۳) تشبیهی - اضافی ☐ (۴) تشبیهی - وصفی ☐

۵. در کدام یک از گزینه‌ها «استعاره» وجود دارد؟

- (۱) بالب خشک و دل سوخته و دیده‌ی تر ☐ (۲) تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه ☐
(۳) برد عباس جوان، ره چو سوی آب فرات ☐ (۴) شد چنان از تفِ دل، کام سخنور تشنه ☐
(۱) غرقه‌ی بحر بلا بود در آن بر تشنه ☐ (۲) آن که سیراب کند در لب کوثر تشنه ☐
(۳) ماند بر یاد حسین (ع) تا صف محشر تشنه ☐ (۴) که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه ☐

۶. کدام یک از تعریف‌های زیر درباره‌ی ردیف نادرست است؟

- (۱) ردیف همواره در پایان مصراع‌ها یا ابیات قرار می‌گیرد. ☐
(۲) دو کلمه‌ی پایانی هر مصراع یا ابیات که کاملاً از نظر حروف با هم شباهت دارند. ☐
(۳) علاوه بر لفظ و شکل نوشتاری دو کلمه‌ی ردیف، لازم است معنی یکسان هم داشته باشند. ☐
(۴) ردیف گاهی می‌تواند قبل از قافیه قرار بگیرد. ☐

۷. کدام یک از ابیات زیر، ردیف ندارند؟

- (۱) چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند ☐ (۲) گلاب است گویی به جویش روان ☐
(۳) در ازل پرتو خُسنت ز تجلی دم زد ☐ (۴) علم، بال است مرغِ جانست را ☐
(۱) موج‌های پریشان تو را می‌شناسند ☐ (۲) همی شاد گردد ز بویش روان ☐
(۳) عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد ☐ (۴) بر سپهر او برد روانست را ☐

۸. قالب غزل از نظر قرار گرفتن قافیه‌ها به کدام یک از قالب‌های شعری شبیه است؟

- ☐ (۱) مثنوی ☐ (۲) قطعه ☐ (۳) قصیده ☐ (۴) ترکیب‌بند

۹. در کدام یک از گزینه‌ها تخلص دیده می‌شود؟

- (۱) چو دریای خون شده دشت و راغ
(۲) تو قد بینی و مجنون جلوه‌ی ناز
(۳) گشت از کلک «فدایی» چو دلش دود بلند
(۴) خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند
- جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ ☐
تو چشم و او نگاه ناوک‌انداز ☐
بر ورق کرد رقم بس که مکرر تشنه ☐
ساقی بده بشارت، رندان پارسا را ☐

۱۰. در کدام بیت آرایه‌ی ذکر شده در کنار آن صحیح نیست؟

- (۱) بالب خشک و دل سوخته و دیده‌ی تر
(۲) آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک
(۳) برد عباس جوان ره سوی آب فرات
(۴) آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا
- غرقه‌ی بحر بلا بود در آن بر تشنه (تشبیه و استعاره) ☐
نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه (تضاد - تناسب) ☐
ماند بر یاد حسین تا صف محشر تشنه (تلمیح - تناسب) ☐
بود آن خسرو بی‌لشگر یاور تشنه (جناس - تضاد) ☐

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس سیزدهم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
□ □ □ □ ۹	□ □ □ □ ۷	□ □ □ □ ۵	□ □ □ □ ۳	□ □ □ □ ۱
□ □ □ □ ۱۰	□ □ □ □ ۸	□ □ □ □ ۶	□ □ □ □ ۴	□ □ □ □ ۲



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. در بیت «شد چنان از تفِ دل کامِ سخنور تشنه / که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه» به ترتیب کدام کلمات نقش نهاد،

مسند و متمم را دارند؟

- (۱) تفِ دل، کام، تشنه ☐ (۲) کام سخنور، تشنه، تفِ دل ☐
(۳) تفِ دل، کام سخنور، تشنه ☐ (۴) تشنه، کام، ردیف ☐

۲. قالب شعر «یاد حسین (ع)» است و شاعر آن است.

- (۱) مثنوی، ایرج میرزا ☐ (۲) قصیده، فدایی ☐ (۳) قصیده، ملک‌الشعرا ☐ (۴) غزل، فدایی ☐

۳. در بیت زیر چه آرایه‌های ادبی به کار رفته است؟

«همچو ماهی که فتد ز آب برون، آل نبی

می‌پیدی دلشان، سوخته در بر تشنه»

- (۱) تشبیه - تشخیص ☐ (۲) تشبیه - تناسب ☐ (۳) تشخیص - تناسب ☐ (۴) کنایه - تشخیص ☐

۴. «بحرِ بلا» و «لبِ خشک» چه نوع ترکیبی هستند؟

- (۱) اضافی - وصفی ☐ (۲) اضافی - تشبیهی ☐ (۳) تشبیهی - اضافی ☐ (۴) تشبیهی - وصفی ☐

۵. در کدام یک از گزینه‌ها «استعاره» وجود دارد؟

- (۱) بالِبِ خشک و دلِ سوخته و دیده‌ی تر ☐
(۲) تشنه‌لب کشته شود در لب شط از چه گناه ☐
(۳) برد عباس جوان، ره چو سوی آب فرات ☐
(۴) شد چنان از تفِ دل، کام سخنور تشنه ☐
غرقه‌ی بحر بلا بود در آن بر تشنه ☐
آن که سیراب کند در لب کوثر تشنه ☐
ماند بر یاد حسین (ع) تا صف محشر تشنه ☐
که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه ☐

۶. کدام یک از تعریف‌های زیر درباره‌ی ردیف نادرست است؟

- (۱) ردیف همواره در پایان مصراع‌ها یا ابیات قرار می‌گیرد. ☐
(۲) دو کلمه‌ی پایانی هر مصراع یا ابیات که کاملاً از نظر حروف با هم شباهت دارند. ☐
(۳) علاوه بر لفظ و شکل نوشتاری دو کلمه‌ی ردیف، لازم است معنی یکسان هم داشته باشند. ☐
(۴) ردیف گاهی می‌تواند قبل از قافیه قرار بگیرد. ☐

۷. کدام یک از ابیات زیر، ردیف ندارند؟

- (۱) چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند ☐
(۲) گلاب است گویی به جویش روان ☐
(۳) در ازل پرتو حُسن ز تجلّی دم زد ☐
(۴) علم، بال است مرغِ جانست را ☐
موج‌های پریشان تو را می‌شناسند ☐
همی شاد گردد ز بویش روان ☐
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد ☐
بر سپهر او برد روانست را ☐

۸. قالب غزل از نظر قرار گرفتن قافیه‌ها به کدام یک از قالب‌های شعری شبیه است؟

- ☐ (۱) مثنوی
 ☐ (۲) قطعه
 ☐ (۳) قصیده
 ☐ (۴) ترکیب‌بند

۹. در کدام یک از گزینه‌ها تخلص دیده می‌شود؟

- (۱) چو دریای خون شد همه دشت و راغ
 (۲) تو قد بینی و مجنون جلو می‌ناز
 (۳) گشت از کلک «فدایی» چو دلش دود بلند
 (۴) خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند
 جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
 تو چشم و او نگاه ناوک‌انداز
 بر ورق کرد رقم بس که مکرر تشنه
 ساقی بده بشارت، رندان پارسا را

۱۰. در کدام بیت آرایه‌ی ذکر شده در کنار آن صحیح نیست؟

- (۱) بآلب خشک و دل سوخته و دیده‌ی تر
 (۲) آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک
 (۳) برد عباس جوان ره سوی آب فرات
 (۴) آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا
 غرقه‌ی بحر بلا بود در آن بر تشنه (تشبیه و استعاره)
 نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه (تضاد - تناسب)
 ماند بر یاد حسین تا صف محشر تشنه (تلمیح - تناسب)
 بود آن خسرو بی‌لشگر یاور تشنه (جناس - تضاد)

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس سیزدهم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
☐ ☐ ☐ ☐ ۹	☐ ☐ ☐ ☐ ۷	☐ ☐ ☐ ☐ ۵	☐ ☐ ☐ ☐ ۳	☐ ☐ ☐ ☐ ۱
☐ ☐ ☐ ☐ ۱۰	☐ ☐ ☐ ☐ ۸	☐ ☐ ☐ ☐ ۶	☐ ☐ ☐ ☐ ۴	☐ ☐ ☐ ☐ ۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. گزینه‌ی (۲)
۲. گزینه‌ی (۲)
۳. گزینه‌ی (۲)
دلِ آل نبی را که در سینه‌هایشان می‌تپید به ماهی که از آب بیرون افتاده، تشبیه کرده است. بین آب و ماهی تناسب وجود دارد.
۴. گزینه‌ی (۴)
بحر بلا: اضافی تشبیهی است. بلا به دریایی تشبیه شده است.
لب خشک: ترکیب وصفی است. (صفت و موصوف)
۵. گزینه‌ی (۲)
لب شط و لب کوثر اضافی استعاره‌ی هستند.
* شط مانند انسانی است ← انسان حذف شده ولی یکی از لوازمات و جزئیات آن (لب) ذکر شده است.
۶. گزینه‌ی (۴)
هرگز ردیف قبل از قافیه قرار نمی‌گیرد.
۷. گزینه‌ی (۲)
روان در مصراع اول به معنی جاری و در مصراع دوم به معنی روح و جان است.
یکی از شرط‌های ردیف آن است که از نظر معنا هم با یکدیگر یکسان باشند.
ردیف در گزینه‌های دیگر (تو را می‌شناسند، زده را) است.
۸. گزینه‌ی (۳)
۹. گزینه‌ی (۳)
فدایی تخلص شاعر «یاد حسین (ع)» است.
۱۰. گزینه‌ی (۴)
دشت بلا: تشبیه است و (خسرو) استعاره از امام حسین (ع) است.

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس سیزدهم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
☐ ☐ ☐ ☐ ۹	☐ ☐ ☐ ☐ ۷	☐ ☐ ☐ ☐ ۵	☐ ☐ ☐ ☐ ۳	☐ ☐ ☐ ☐ ۱
☐ ☐ ☐ ☐ ۱۰	☐ ☐ ☐ ☐ ۸	☐ ☐ ☐ ☐ ۶	☐ ☐ ☐ ☐ ۴	☐ ☐ ☐ ☐ ۲

«شوق آموختن»



واژه‌نامه

ازادگان: جوانمردان	مخوف: ترسناک
رژیم بعث: رژیمی که صدام حسین، رئیس‌جمهور آن بود و بعدها اعدام شد.	
غالب: اکثر، بیش‌تر	جا خورد: تعجب کرد
اسرا: جمع اسیر	عوارض: جمع عارضه، پیامدها
آرمان‌ها: امیدها و آرزوها	تعصب: حمایت و جانبداری
اعمال کردن: به کار بردن، به کار بستن	کسل: تنبل
صلیب سرخ: مؤسسه‌ای بین‌المللی که کارش کمک به کشورهایی است که در اثر حوادثی مثل سیل، زلزله و...	
نیاز به کمک دارند. نام دیگر این مؤسسه «هلال احمر» است.	
فی المجلس: همان لحظه	می‌ستود: ستایش می‌کرد.
عالم وانفسا: عالمی که هر کس به فکر جان خودش است.	
غیرتی: ناراحت و عصبانی	مضيقه: سختی و تنگنا
فضیلت: ارزش و برتری	حک کردن: تراشیدن و کندن روی سطح چیزی
هجی کردن: حروف را جدا جدا گفتن	تبعید کردن: دور کردن کسی از محل زندگی‌اش
تن به کاری ندادن: کنایه از نپذیرفتن و قبول نکردن	سربه‌سر گذاشتن: کنایه از شوخی کردن
دل به کسی دادن: کنایه از عاشق و علاقه‌مند شدن	سر در گریبان: کنایه از حیران و متفکر
گل از گل کسی شکفتن: کنایه از شاد و خوش‌حال شدن	

حکایت «زمستان» از سعید عاکف، مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی سال ۱۳۸۵ انتخاب شده است.



کلمه‌های مهم املائی

خاطرات - آژادگان - سرافراز - شوق آموختن - اصل و نسب - اطراف - مخوف - رژیم بعث - روحیه -
تسلیم - اصول - محدودیت - اعمال - وضعیت - طبق معمول - کاغذ - صاف و صادق - مطمئن - به محض -
احوال‌پرسی - اصلاح - هجی کردن - حساسیت - تبعید - مأموران - صلیب سرخ - مؤذبان - مسلط -
تحویل - نابغه - تحویل